

« گناه مردم کرمان این بود که یکسال شاهزاده رشید و جوانمرد زند لطفعلی خان بر آنها حکومت کرده بود .

« چنین مردمی در مقابل چنان بالای آسمانی در برابر چنین ستمگر سفاک و خونخواری چگونه تملق نگویند و ریا و تظاهر نکنند و بدروغ و دغل متوسل نشوند آیا از چنین ملتی انتظار صراحت و صداقت و شهامت دارید .

« این رفتار تنها در دوره آغا محمد خان نبوده بلکه در تمام دوران تاریخ بیش و کم با او چنین رفتار کرده‌اند و بنا بر این جز با سالها مصونیت و آزادی و حکومت حق و قانون ، ملت ایران نمیتواند صراحت و صمیمیت پیدا کند .»

-۱۵-

از قضا من روسیاه تهیه کننده این مقاله نیز در کتابهای خود و بخصوص در «هزاربیشه» و «کشکول جمالی» و «صندوقچه اسرار» مقداری از آراء و عقاید بیگانگان را درباره هموطنانم آورده‌ام و در اینجا قسمتی از آنچه را در کتاب «راه آب نامه» از زبان قهرمان آن کتاب نوشته‌ام (هرچند ابداً سزاوار و شایسته نیست که با کلام و گفتار مؤلفین و صاحبان قلم و ارباب فکر و اندیشه نامدار در یکجا بیاید) طرداً للباب نقل می‌نماید:

«.... غصه این مردم بی شعور و بی صاحبی را میخورم که هیچ

نمیفهمم چه میگویند و چه میجویند و حرف حسابشان چیست و چرا زنده‌اند . درین محیط حیرت انگیز با مردمی سروکار پیدا کرده‌ام که حتی بروغن امامزاده هم بندند و از شمال تا جنوب و از مغرب تا بمشرق هر کلاهی برای برداشتن و هر جیبی برای بریدن و هر پولی برای خوردن است . در تمام دستگاههای این مملکت خواه ملی باشد خواه دولتی هیچ چرخ و ماشینی نمیچرخد مگر آنکه روغن رشوه بآن برسد . در بالای هردر و هر دروازه‌ای بخط جلی نوشته‌اند «بی‌مایه فطیر است» و کارت پیش هر کس گیر بکنند تا باو مراجعه کردی فوراً دو انگشت شست و سبابه‌اش را بهم میمالد و میرساند که یعنی کشک . باسم «سبیل چرب کردن» و «خر کریم را نعل کردن» کلیدی دارند که بهر قفلی میخورد و هردری را می‌گشاید و هر طلسمی را درهم میشکند و هر مشکلی را حل می‌کند . مظلوم‌ترین مردم کسی است که دستش ازین کلید مشکل گشا کوتاه باشد .

« هر چه بیشتر با این مردم میجوشم و بیشتر با آنها نشست و برخاست می‌کنم کمتر اخلاقشان بدستم می‌آید و کمتر از کار و بارشان سردر می‌آورم . حرفهایشان همه سست است و سر بطاقی و ادعاهایشان جمله بی‌اساس است و پا در هوا . مردم دنیا اگر

دروغی بگویند برای مقصود و منفعتی است ولی اینها محض رضای خدا دروغ میگویند . مردمان لاابالی بی بند و باری هستند که از بس گهی پشت برزین و گهی زین به پشت داشته‌اند لاقید بار آمده‌اند و بسیاری از قیود که در عرف مردم دنیا بشرایط آدمیت و انسانیت معروفست پابست نیستند چنانکه مثلاً اگر نمک کسی را بخورند فرضاً هم که نمکدان را نشکنند لااقل با اسم «کش رفتن» بجیب که خواهند زد . با همه قیافه جدی که بخود میدهند هیچ کار دنیا را بجد نمیگیرند مگر در سه مورد مخصوص یکی شکم یکی کیسه و یکی تنبان . وقتی پای این سه چیز بمیان آید یوسف را بکلافی و خدا را بخرمائی میفروشدند ، چطور میخواهی دلم بحال این مردم کچلک باز و دوز و کلکی مزاج نسوزد که برای حل و فصل معضلات امور و مشکلات دنیا تنها بسه طریقه معتقدند که عبارتست از « سر هم بندی» و «سیاست عالیة ماست مالی» و «روش مرضیه ساخت و پاخت» . این هر سه از مبتکرات فکر بدیع و از کشفیات قریحه سرشار خودشان است و درین میدان الحق که گوی سبقت را از جهان و جهانیان ربوده‌اند . بالخصوص در فن «ماست مالی» مهارت عجیبی پیدا کرده‌اند و بالتیجه مصرف ماست چنان بالا رفته‌است که اگر همه آب دریا ماست شود باز کفاف احتیاجات

را نخواهد داد . فورمول دیگری هم دارند که معجون افلاطون و دواى هرردى است، و عبارت است از دستور مجرب و مطاع «خودش درست میشود» که اعجاز میکند. از تمام اینها گذشته دستگاہ شگرفی هم دارند بنام «بوتهٔ اجمال» که بمنزلهٔ انبار بی ته و بن و گاوخانی جاودانی بسیار عمیقی است که هر چند قرن‌هاست که هرروز و هر ساعت خروارها کار انجام نایافته در آن ریخته‌اند هنوز تا کمر خالی است و باز برای نسلهای فردا و پس فردا جای خالی دارد . این مردم تنها در یک موقع ممکن است از طریق سربطاق کوبیدن اندکی منحرف شوند و آن هم در مورد کارهای حسب الامر است که آنوقت هرطور شده برای حفظ ظاهر بظاهر سازی پرداخته و بقول خودشان کار را فیصله میدهند .»

در «کشکول جمالی» (جلد دوم ، صفحهٔ ۱۰۵) می‌خوانیم :

«عدهٔ زیادی از هموطنان ما خیال میکنند همینقدر که اولاد داریوش و سیروس شدند دیگر نانشان توروغن است غافل ازین که کسی را از فضل پدر حاصلی نیست و انسان باید مرد کار و همت خود باشد و آدم اصیل و شریف واقعی کسی است که بتواند باطمینان بگوید که دارای فرزند نیک‌سرشت و خردمند خواهد بود نه آن کسی که تنها بافتخار آباء و اجداد خود سربلندی میکند .»

«ابن قتیبه دینوری از علمای مشهور قرن سوم هجری (اصلاً ایرانی) درباره این گونه ایرانیان که به نیاکان خود میبایند و با اصطلاح مشهور پنبه لحاف کهنه خود را باد میدهند چنین نوشته است (بنقل از مقاله «شعوبیه» بقلم جلال همائی در مجله «مهر» منطبعه طهران) :

«مثل افتخار این گونه مردم بتاج و تخت پادشاهان درست مثل آن کسی است که دیدند در مسابقه اسب دوانی بسیار میخندد و شادی میکند و بخود میبالد . از وی پرسیدند مگر اسبی که در مسابقه پیش افتاد از آن تست . گفت نه اما لگامش از آن من است .»

مسعودی مورخ معروف نیز در همین باب گوید :

«عجمها همه از نسل انوشیروان و پرویز نیستند وانگهی آن دولت از دست برفت و بدولت گذشته بالیدن درست باستخوان پوسیده نازیدن است و کسی که افتخار کند باینکه من از مردم عجم هستم و انوشیروان هم عجم بوده است با کسی که بگوید من از جنس آدمی هستم و انوشیروان هم از بنی آدم بوده است برابر میباشد .»

در «صندوقچه اسرار» (چاپ طهران ، ۱۳۴۲ ش . جلد اول ، صفحه

(۷۷) چنین آمده است :

ما ایرانیها خیلی از خودمان راضی هستیم و اغلب بیگانگانی هم که ما را میشناسند همین صفت خودپسندی و از خود راضی بودن و خودنمائی و خودفروشی را عیب بزرگ ملی ما میدانند و بدیهی است که آنچه بیشتر موجب این صفت گردیده حال و روزگار ما در گذشته است که روزی بزرگ و توانا و صاحب و سرور در دنیا بودیم و اشخاص بزرگی از میان ما قد علم کردند و ما البته حق داریم که بوجود آنها مباحثات بورزیم (آن هم باندازه معقول) و آنچه را تعلق بگذشته ما دارد دوست و عزیز بداریم و در حفظ آن بکوشیم (بشرط اینکه چیز خوب و ممدوح و پسندیده باشد).»

پایان

« دعای خیر »

در طی این گفتار شمه‌ای از آنچه را در حق ما گفته‌اند دیدیم. حدیثی نیست که مسرت آمیز و مایه سرافرازی ما باشد. دلسوزی و خشم و استغفار هم درمان این درد و دواي این مرض نمیگردد. باید کوشید و در صدد علاج برآمد و این خود یکی از وظایف سمینار مسائل ایران و بلکه مهمترین و مفیدترین وظیفه او خواهد بود.

داریوش شاهنشاه بزرگ ایران در دوهزار و پانصد سال پیش در سینه کوههای شامخ ایران زمین خطاب پادشاهان آینده این مرز و بوم بر سنگ چنین نوشته است :

« تو ای کسی که میخواهی پس ازین پادشاه باشی از دروغ پرهیز و دروغگورا کیفر بده تو ای کسی که میخواهی پس ازین پادشاه باشی دوست مردی مباش که دروغگو و یا زورگوست بلکه دروغگو و زورگوراسخت کیفر بده . »

امروز این خطاب مستطاب نه تنها بوالا ترین فرزندان این کشور بلکه بتمام افراد ایرانی نژادی است که باین مرز و بوم علاقمندند و از دل و جان سعادت مندی و رستگاری آنرا خواستارند . باید دروغگو و زورگو و پلید خوئی را کیفر داد و سخت کیفر داد .

قریب بهمان زمان داریوش هرودوت مورخ بسیار معروف یونانی

در حق نیاکان ما چنین گفته است :

« ایرانیان مجاز نیستند از چیزی که عملش زشت و قبیح و غیر مجاز است سخن برانند و در نظر آنها هیچ چیز شرم آورتر از دروغ گفتن نیست و از دروغ گذشته وام گرفتن هم در نزد آنها بغایت زشت و مکروه است و علتی که برای زشتی وام بیان میکنند این است که آدم مقروض گاهی مجبور میشود دروغ بگوید.»

باید از یزدان پاک درخواست نمائیم که ما را از شر و زبان دروغ که بزرگترین نشانه تبهکاری و فساد است در امان بدارد و زندگانی ما را سامانی ببخشد که محتاج بوام گرفتن از خودی و بیگانه نباشیم.

باید دعا کنیم که در سایه اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی وسیع و عاقلانه که هماهنگ با وضع دنیای آزاد و مرفه باشد روزگار ما ایرانیان رفته رفته چنان تغییر یافته دگرگون گردد که باز حتی دشمنان ما مانند مورخ یونانی دوهزار و چهارصد سال پیش با همین زبان و با همین لحن تعظیم و تکریم در حق خودمان و در حق فرزندان و فرزندان فرزندانمان با احترام و تمجید سخن برانند و بگویند ایرانیان بدستور پیامبر بزرگ ایرانی خودشان زرتشت عمل میکنند :

« درست میاندايشند ،

درست سخن میرانند ،

درست رفتار میکنند »

سید محمدعلی جمالزاده

ژنو، فروردین ۱۳۴۳

شیوہ انتقال

www.KetabFarsi.com

بود که قدم دوم را هم خود ایشان بردارند یعنی یکی از بهترین کتابهای
فرنگی را در باب انتقاد ادبی ترجمه نموده بچاپ برسانند تا اکرام عمیم
ایشان جامعه اتمام بیوشد .

در ضمن همان جواب خود درباره ترجمه پاره‌ای از نظریات و عقاید
خودم را در خصوص انتقاد هم بعرض رسانده بودم باز مجملاً آنچه را
بفکرم میرسد (هرچند درین زمینه ناشی و تقریباً نادان بودم و مطالعه و
تمرین و در دستم بکلی ناکافی و ناشاد است) برایتان در ذیل می نویسم .

نقاد کتابهای ادبی باید خود تاحدی ادیب باشد . متقدمین با شرایط
ما ادیب بودن را نشان داده‌اند و آنچه را نظامی عروضی درین باب نوشته
است همه می‌دانند ولی آن شرایط امروز برای جوانانی که در مدرسه باید
صدها چیز دیگر را هم غیر از آنچه مستقیماً مربوط بعلم ادب است فراگیرند
و سالها شب و روز مشغول تحصیل مواد برنامه بسیار سنگینی هستند، امکان
پذیر نیست و لهذا باید دور آنرا خط کشید و تنها آن را برای جوانان
معدودی گذاشت که بسائقه ذوق و بحکم فطرت شیفته ادبیات از نظم و نثر
هستند و اوقات خود را منحصرأ (یا تقریباً بطور انحصار) بکارهای ادبی
مصروف می‌سازند .

نقاد کتابهای ادبی باید مقداری کتابهایی را که بزرگان تعدادی
بر انتقاد کتابهای ادبی نوشته‌اند و شهرت دارد خوانده باشد و در این
امر تنها بیک شیوه از شیوه‌ها و بیک مسلك از مسلك‌های معروف قناعت نماید.
مقصود این است که مثلاً گروهی از منتقدین بنام طرفدار « اوپز کتی -

ویسم» یا بقول حضرت آقای تقی زاده طریقه آفاقی هستند در صورتیکه دسته دیگر هوادار سبک «سوبترکتی ویسم» یا انفسی هستند و عقل حکم می کند که اگر منتقدی بتواند این دو سبک را با هم بیامیزد بطوریکه مراعات توازن هم شده باشد ممکن است نتیجه کارش بهتر از آب در آید اخیراً می خواندم که کتابی در خصوص زندگانی و آثار نویسنده مشهور ایرلندی جمز جویس نوشته شده است و چون جویس در ضمن یکی از کتابهای خود نوشته است که در کودکی هنگامی که هنوز در مملکت خود میزیسته است در جلو خانه مسکونی آنها چند درخت باردار است آن کسی که در صدد نوشتن ترجمه حال او بوده است با ایرلند مکاتباتی نموده است تا معلوم شود آیا آن درخت، چه درختی بوده است. این سبک انتقاد که سنت بو^(۱) نقاد مشهور فرانسوی را از مؤسین و مروجین آن میدانند طرفداران بسیار دارد و مربوط است با اصولی که حکیم و مورخ و منقد معروف فرانسوی تن^(۲) طرفدار آن بوده و عبارت است از اینکه آثار ادبی و هنری رویهمرفته مخلوق عوامل سه گانه نژاد و محیط و زمان میباشند.

سبک دیگر انتقاد که در فرانسه آناتول فرانس و همچنین ژون لومتر^(۳) را از نمایندگان مبرز آن میتوان بشمار آورد (از شما

۱- Sainte Beuve (۱۸۰۴-۱۸۶۹).

۲- H. Taine (۱۸۲۸-۱۸۹۳).

۳- Y. Lemaitre (۱۸۵۳-۱۹۱۱).

چه پنهان راقم این سطور هم در مقاله‌های انتقادی بسیار ناقص و ابتر و ناشیانه خود آن راه را پیموده است (سبکی است که احساسات منقد را در کار انتقاد و داوری حق مداخله میدهد و مغز و لب معنی و مطلب را که مقصود و منظور نویسنده بوده مورد توجه مخصوص قرار میدهد و رویمهرفته بقول طلاب خودمان «من قال» راحتی المقدور کنار نهاده به «ماقال» می‌پردازد و منقدین خودمان هم عموماً همین طریق را پیموده‌اند و مثلاً آنچه در باب گفته‌ها و عقاید منصور حلاج برای ما باقی مانده و در دست است از آنچه در باره جزئیات زندگانی و دوستان و رفقا و پدر و مادر و همسایگان او می‌دانیم بیشتر است مقصود ازین روده درازی این است که نقاد ادبی باید درین رشته کار کرده باشد و کتاب خوانده باشد و ورزیده و بینا و دانا همچنانکه نجار هم اگر شاگردی نکرده باشد و از اصول فن نجاری بی‌خبر باشد نمیتواند نجار باشد .

منقد ادبی باید حکم شاهد عادل و صادق و مؤمنی را داشته باشد در محاکم قضائی و مذهبی یعنی باید جایز شرایط اساسی شهادت دادن باشد . همه میدانیم که این شرایط عبارت است از راستگوئی و حقیقت‌پوئی و بی‌غرضی و بی‌مرضی و سعی و جهد در طریق کشف حقیقت و خلاصه آنکه باید فرض نماید که نویسنده کتاب را نمی‌شناسد و نمیداند بچه حزب و بکدام دسته‌ای بستگی دارد و سابقه‌اش چیست و شهرتش کدام است . کتابی است که از آسمان در دامن او افتاده است و باید شیرد فکر و قضاوت و نظر خود را در باب معانی و عبارت و سبک و اسلوب و

انشاء واملای آن بر روی کاغذ بیاورد صرف نظر از اینکه خوانندگانش چه خواهند گرفت و چه فکر خواهند کرد، آیا نفرینش خواهند گفت یا آفرینش خواهند خواند، مسلم است که انجام این شرایط «گاو نر می خواهد و مرد کهن!» و کار بنده و امثال بنده نیست ولی روی پمرفته می توان گفت «چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار» از اینها همه گذشته یکی از شرایط عمده انتقاد این است که منقذ پیرامون فضل فروشی کسالت-آمیز و بیمزه نگردد که بدترین عیبا و مرضهاست و بوی کوفت و آکله می دهد!

بعقیده بنده در محیطی مانند محیط امروزی ما ایرانیان که با سواد و کتابخوان کم داریم و نویسندگان عموماً در مقابل رنج و زحمتشان پاداش بسیار ناقابلی بدست می آورند (اگر پاداشی در میان باشد) مایوس ساختن نویسنده تعریف زیادی ندارد و نقاد باید لطف و تشویق و مروت و چشم پوشی را هم با آنجائی که با شرایط اساسی انتقاد که رکن رکن کاراست جور می آید از نظر دور ندارد.



اگر بخواهیم مندرجات بالا را خلاصه نمائیم میگوئیم که نقاد باید با فضل و ذوق و با معرفت و ادیب باشد و کتابهای بسیاری از خود-مانی و بیگانه خوانده باشد و کتابی را که میخواهد انتقاد نماید بدقت مطالعه نماید (البته بشرطی که کتاب بمطالعه و انتقاد بیرزد) و اگر با عقاید و آراء و افکاری مواجه گردید که با مال خودش جور نمی آید و

نمی خواند و یا با انشائی روبرو شد که با سلیقه او سازگار نیست تعجیل
 را در اظهار نظر روا ندارد بلکه اساساً اهل شك و تردید باشد و بداند
 که هر عقیده و نظری در دنیا طرفدارانی دارد و برای اثبات آن دلایل
 و براهینی میتوان تراشید و با يك نه گفتن و دو سخن ناسزائی که برسم
 طعن و طنز و تمسخر و تحقیر بگوئیم باسانی از عهده رفع اشتباه و اصلاح
 خطا (یا آنچه اشتباه و خطا پنداشته ایم) نمی توان برآمد و چون خودمان
 بفکر ورآی خودمان اعتقاد و ایمان داریم نباید تصور نمائیم که تمام مردم
 دنیا بسهولت استدلال ما را نمی پذیرند و ما میتوانیم حرف خودمان را به
 کرسی بنشانیم . هرگز نباید فراموش نمود که وقتی گالیله بمردم
 میگفت خورشید بدور زمین نمی چرخد و زمین است که بدور خورشید
 میچرخد حتی مردم دانا و با انصاف نمیتوانستند ادعای او را بپذیرند و
 در دل او را دیوانه و مختل المشاعر بشمار میآوردند در صورتیکه حق با
 او بوده امروز نیز در عالم فکر و رای و حکمت و ادب و سیاست و تمام
 مواضع و علوم و فنون و زمینه های دیگر ممکن است سخنانی بگوئیم
 برسد که خبط و خطای کامل بنظر درآید ولی ضمناً همیشه باید احتمال
 داد که شاید که فردا حقیقت و حجت آن بر عالمیان روشن و آشکار و
 مبرهن و محقق گردد .

فهرست ها :

- ۱- فهرست اسامی اشخاص و نسبت ها
- ۲- فهرست اسامی جایها و نسبت ها
- ۳- فهرست اسامی کتاب ها و مجله ها و روزنامه ها
- ۴- فهرست مندرجات
- ۵- درست نامه

اسامي اشخاص و نسبت ها

ابوالمورخين (رك:هرودوت) ۱۶،۱۰

اتابك (ميرزا علي اصغر خان) ۱۰۷

احمد بن الحسن الميمندي ۱۴۲

ارمنيها ۱۰

ارنست رونان ۱۵

اروپائي ۳۳، ۸۲، ۸۶، ۹۷، ۱۲۱،

۱۲۲

اروپائيها ۸۳

اروپائيان ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۹۸

اسپارتي ۹۷، ۹۸

استلين ميشو ۱۱۱

اسكندر ۱۰۳

اشرف (افغان) ۱۰۶

اعتماد الدوله ۷۸

اعتماد السلطنه ۱۰۷

افغانها ۱۰۵، ۱۰۶

افلاطون ۱۵۶

الكسي سولتيكوف ۸۰

الناصر لدين الله ۳۶

امير (علي عليه السلام) ۴۷

انقلاب مشروطيت ۱۵

آ

آدم ۱۲، ۲۴، ۲۷، ۵۸، ۱۵۷

آرام (احمد) ۶۷

آراميها ۱۰۸

آريائيها ۱۰۹

آسيائي ۸۰، ۱۰۶

آغا محمدخان قاجار ۱۵۳

آقاخان كرمانى (ميرزا) ۱۳۹

آلمانها ۳۶

آلماني ۲۶، ۳۶، ۵۱، ۹۴، ۹۵،

۱۳۲، ۱۳۳

آلمانيها ۱۷

آمريكائي ۲۳، ۷۲

آمريكائيها ۲۳

آمي بن مارسلين ۶۸

ا

ابن خلدون ۱۰۸

ابن قتيبة دينوري ۱۵۷

ابن مقفع (عبدالله) ۵۶

ابوالعباس فضل بن احمد اسفرايني ۱۴۲

، ۱۳۱ ، ۱۳۰ ، ۱۲۹ ، ۱۲۶	انگلیسها ۱۲۱
، ۱۳۸ ، ۱۳۵ ، ۱۳۳ ، ۱۳۲	انگلیسی ۲۰ ، ۲۹ ، ۷۳ ، ۸۷ ، ۸۸
، ۱۶۰ ، ۱۵۷ ، ۱۴۳ ، ۱۴۱	۹ ، ۹۳ ، ۹۵ ، ۱۰۳ ، ۱۱۸ ، ۱۲۷
، ۸۳ ، ۷۶ ، ۷۵ ، ۲۶ ، ۲۰ ایرانیها	انوشیروان عادل ۹۴ ، ۱۵۷
، ۹۷ ، ۹۳ ، ۹۱ ، ۸۹ ، ۸۶	ایرانی ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸
، ۱۰۶ ، ۱۰۵ ، ۱۰۳ ، ۹۹	۲۶ ، ۳۸ ، ۵۹ ، ۶۴ ، ۸۳
، ۱۵۸ ، ۱۴۲ ، ۱۳۵ ، ۱۳۳	۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۹۲
ایرج افشار ۱۳	۹۴ ، ۹۵ ، ۹۸ ، ۱۰۶ ، ۱۰۸
ب	۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۶ ، ۱۲۲
باب (رك : سيدعلی محمد باب) ۱۵	۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳
بایزید ۴۰	۱۳۴ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۵
بدیع (میرمهدی) ۶۷	۱۵۷
براون (پرفسور) ۷۴ ، ۷۵ ، ۱۰۹	ایرانیان ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷
۱۱۰	۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴
بربرها ۶۷	۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۱
برکویچی (کونراد) ۱۰۳	۳۹ ، ۴۰ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹
بزرگ علوی ۶۶	۵۲ ، ۵۶ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۶۸
بلاذری ۱۴۱	۷۰ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵
بلژیکی ۷۵ ، ۳۸	۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۸۶
پ	۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱
پاپای اعظم ۳۶	۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶
پارسیان ۹۵ ، ۶۷	۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴
پاسکال ۵۸ ، ۱۷	۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۹
پاکروان (خانم) ۱۱۳	۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳
پپان (رك : کوتوله) ۳۵	۱۱۴ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹
پرویز ۱۵۷	۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۲۵

ح

- حاج عبدالغنی ۲۴
 حاج میرزا آقاسی ۳۵
 حافظ ۱۹ ، ۴۰ ، ۹۷
 حالت (ابوالقاسم) ۱۰۸
 حجاج بن یوسف ۱۴۲
 حجازی (محمد) ۶۶
 حسن (امام علیه السلام) ۹۰
 حسین (امام علیه السلام) ۷۴ ، ۹۰ ، ۹۷
 حسینقلی آقا ۸۵
 حکمت (حسنعلی) ۱۴۹

خ

- خواجه نوری (ابراهیم) ۱۴۴

د

- داروین ۴۱
 داریوش بزرگ ۳۴ ، ۱۵۶ ، ۱۵۹
 دانش (تقی - مستشار اعظم) ۶۴
 دشتی (علی) ۶۶ ، ۱۴۴
 دلیل (شاعر فرانسوی) ۸۶
 دنکس فاربس ۱۲۷
 دوروته آلوتر ۱۳۲
 دهاتی (رك : محمد مسعودی) ۶۶

- پلوت (شاعر رومی) ۶۸
 پوتینگر (سر ۰.۵) ۹۲
 پوریا (ارسلان)
 پهلوی ۱۴۲

ت

- تاتار ۶۶ ، ۷۰ ، ۱۳۶
 تربیت (میرزا رضاخان) ۲۶
 ترك ۳۸ ، ۶۶ ، ۷۰ ، ۱۰۶ ، ۱۳۶ ، ۱۳۸
 تركها ۷۷ ، ۹۱
 ترکی ۷۱
 تقی زاده (سید حسن) ۱۴۳

ث

- ثنائی (رك : قائم مقام فراهانی) ۱۳۸

ج

- جان شیرمان ۱۲۸
 جعفرقلی خان ۸۸
 جمال زاده (سید محمدعلی) ۱۶۰
 جیمس موریه ۲۰ ، ۷۳ ، ۸۹ ، ۹۰

چ

- چنگیز ۷۱

سایکس (سرپرسی) ۱۰۶، ۱۰۴،

۱۱۸

سپاه دانش ۱۴

سراوزلی (سفیرانگلستان) ۸۸

سرجان ماکدونال ۸۷

سرجان ملکم ۲۳، ۸۲، ۹۵

سعدی ۱۹، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۵۷

سلطان محمود ۱۴۲

سمینار مسائل ایران ۱۵۹

سیدعلی (میرزا) ۸۸

سیدعلی محمد باب (رک : باب) ۱۵

سیروس ۱۴۴، ۱۵۶

سیف آزاد ۱۴۶

ش

شادمان (دکتر) ۶۶

شاردن (فرانسوی) ۷۹

شعوبیه ۱۵۷

شفا (شجاع الدین) ۷۴

شفر ۱۴۳

شمر (ذی الجوشن) ۱۴۶

شمیری (چلوکباب) ۳۲

شیخ ابواسحق کازرونی ۱۳

شیخ احمد روحی ۲۰، ۹۰

ر

رائول پریش ۳۳

راولینسون (ژ.) ۸۱، ۱۰۶

رستم ۱۳۸

رستم‌دستان ۱۲۲

رستم سامی ۳۷

رسول (ص) ۴۷

رقیه (ع) ۱۴۶

روسها ۵۳، ۱۲۲

روسی ۸۰، ۱۰۶

روشنی بیک ۷۱

رومی ۶۸

رومیان ۶۶، ۶۷

رومیها ۳۳

ز

زرتشت ۶۲، ۸۵، ۱۶۰

زینب (ع) ۱۴۶

ژ

ژان لارتکی ۱۱۴

س

ساسانی ۱۴۱

ساسانیان ۹۴

شعبه ۷۴

غ

غازی غرای خان تاتار ۷۱

غزنویه ۱۴۲

ف

فارسها ۷۱ ، ۷۲

فارسی ۷۵ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۸ ، ۸۹ ،

۹۰ ، ۹۵ ، ۱۰۴ ، ۱۱۱ ، ۱۳۰ ،

۱۳۳ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳

فتحعلی شاه قاجار ۲۰ ، ۲۳ ، ۷۳ ،

۸۸

فرانسوی ۱۷ ، ۴۱ ، ۷۳ ، ۷۶ ، ۷۹ ،

۸۰ ، ۸۳ ، ۸۶ ، ۱۰۷ ، ۱۱۴ ،

۱۱۸

فرانسویها ۱۷ ، ۳۶

فردوسی (طوسی) ۴۶ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ،

۱۳۴

فرنگی ۱۸ ، ۲۴ ، ۳۱ ، ۶۶ ، ۷۰ ،

۸۹ ، ۱۳۶

فرنگیان ۲۰ ، ۲۱

فرنگیها ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۳ ،

۲۴ ، ۳۳ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۷۳ ،

۹۱ ، ۱۲۴

فوریه (دکتر) ۱۰۷

ص

صادق چوبک ۶۶

صادق هدایت ۶۴

صفوی ۳۷ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۷۹ ،

صفویه ۷۱ ، ۷۹

ع

عارف قزوینی (ابوالقاسم) ۱۴۵

عابد (امام زین العابدین سجاد و ع) ،

۱۴۶

عبدالله بن مقفع (رك : ابن مقفع) ۱۳۶

عثمانیها ۷۱

عجم ۱۵۷

عجمها ۱۵۷

عرب ۳۸ ، ۶۶ ، ۷۰ ، ۸۵ ، ۱۰۹ ،

۱۳۶ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲

عربیها ۸۳ ، ۱۴۱

عربی ۷۵ ، ۸۵ ، ۱۴۲

عطار ۱۷

علی (علیه السلام) ۹۷

علی بابا ۱۱۸ ، ۱۲۵

علی بیرنگ ۱۴۷

عمیق بخارائی ۵۶

گوبینو ۸۳ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۱۱۹ ،

۱۲۰

گوتنبرگ ۳۶

گوته ۳۳ ، ۷۴

گودار (مسیو) ۱۳۱

گوستاولوبون ۹۳

گوگول (نیکولا) ۵۲

ل

لامارك ۴۱

لطفعلی خان زند ۱۵۳

لوتر ۳۶

م

مأجوج (رك : یا جوج) ۵۷

مادها ۹۵

ماهویة سوری ۱۴۲

متنبی ۷۰

مجلسی ۷۴

محمد ۹۷

محمد مسعود (رك : دهاتی) ۶۶

محمدشاه قاجار ۱۳۹

محمود (افغان) ۱۰۶

محمود بن عثمان ۱۳

مختار (ثقفی) ۱۴۶

ق

قاجاریه ۱۱۳

قاسم (ابن امام حسن ع) ۱۴۶

قائم مقام فراهانی (رك : میرزا ابوالقاسم)

۱۳۸ ، ۱۳۹

قزوینی (میرزا محمدخان) ۱۴۱

قنیه بن مسلم باهلی ۱۴۲

ك

كارولانثریان ۳۵

كلدانی ها ۱۰۸

كلمان هوار ۱۰۷

كلومب ۳۶

كوپرنیک ۳۶

كوتوله (رك : پپان) ۳۵

كوروش (نام شخصی) ۱۱۶

كورنی کوبروین ۷۶

كوویه ۴۱

گ

گالیله ۳۶

گرنٹ واتسون (رابرت) ۹۲ ، ۹۵

گرگین ۱۳۸

گری بایدوف (سفیر روس) ۱۳۹

نامور ۱۴۸
 نعیم (شاعر سدهی) ۱۴۰، ۵۹
 نوح بن منصور سامانی ۳۶
 نولدکه (تئودور) ۹۴
 نیچه ۵۱
 و
 وحشی بافقی ۱۳۷
 وحید مازندرانی ۹۵
 ولتر ۸۰
 ونسان مونتی ۱۱۲
 وهمن (فریدون) ۱۲۸، ۱۳۰
 ه
 هانری گوبلو ۱۳۰
 هانری مارتین ۸۸
 هانری ماسه (پرفسور) ۱۰۸
 هخامنشیان ۶۷
 هرودوت ۱۶، ۶۷، ۱۵۸
 هرون الرشید ۳۵
 همائی (جلال) ۱۵۷
 هلندی ۷۶

مسعود (مورخ معروف) ۱۵۷
 مسلم (بن عقیل) ۱۴۶
 مسیح ۱۵، ۶۸، ۸۸، ۱۱۹
 مسیحیان ۳۶
 مسیحیان کاتولیک ۲۲
 مسیحیت ۱۵
 مصری‌ها ۱۰۸
 مصطفی فاتح ۶۰
 معاون السلطنه ۱۰۵
 منصور-حلاج) ۳۱
 منصور (ذبیح‌الله) ۸۶
 موریه (رك: حاجی بابا در فهرست
 کتابها) ۷۵، ۹۰، ۹۱
 مولوی بلخی ۱۷، ۴۰، ۵۵
 مولی‌یر ۵۲
 میرزا حبیب اصفهانی ۲۰، ۹۲
 میرزا رضاخان تربیت ۲۵
 میرزا عبدالحسین (رك: آقاخان کرمانی)
 ۱۳۹
 ن
 ناصرالدین شاه قاجار ۱۵، ۱۰۷

یزید ۴۰ ، ۱۴۶
 یوسف ۵۹
 یونانی ۱۰۷ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰
 یونانیان ۱۶ ، ۳۳ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۸۱
 ۱۰۳ ، ۱۰۸ ، ۱۴۳
 یهود ۹۶
 یهودان خیبر ۵۶

هنده ۱۴۶
 هندی ۱۰۶
 هوراس ۱۱۹
 هوگ کاپه ۳۶

ی

یاجوج (رك : مأجوج) ۵۷
 یزدجرد سوم ۱۴۱

اسامی جایہا و نسبت ہا

اصفہان ۳۶ ، ۵۹ ، ۱۴۰	آ	آبادان ۱۲۲
الجزیرہ ۱۱۵		آذربایجان ۳۷
انگلیس ۶۱ ، ۱۴۷		آسیا ۱۰۶
انگلستان ۸۸		آسیای صغیر ۷۳
ایران ۱۰ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۲۳		آلمان ۳۶
۲۴ ، ۲۶ ، ۳۳ ، ۵۹ ، ۶۰		آلمانها ۷۴
۶۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵		آلمانی ۹۵ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۴
۷۶ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۳		آمریکا ۲۳ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۴
۸۲ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰		۷۲
۹۱ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹		آمریکای جنوبی ۱۱۵
۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳		۱
۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷		ارمنستان ۷۳
۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱		اروپا ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۶ ، ۴۴ ، ۸۵
۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷		۸۶ ، ۸۸ ، ۹۱ ، ۱۰۰ ، ۱۲۸
۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲		۱۳۹
۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۷		استانبول ۷۱ ، ۷۳
۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳		اسوان ۷۵

خمسه ۱۳۷	۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۱ ، ۱۴۵
خیبر ۶۵	۱۴۶ ، ۱۵۹
د	ب
در راه دانش (مؤسسه) ۱۳	برلن ۲۵ ، ۷۱ ، ۱۴۳
دریای سیاه ۷۱	بروکسل ۳۹
ر	بغداد ۳۵
روس ۳۸ ، ۵۲ ، ۱۳۹ ، ۱۴۷	بورسپا ۸۱
روسیه ۳۸ ، ۱۳۸	بیت المقدس ۹۶
روم ۱۱۹	پ
روم شرقی ۱۰	پارس ۱۴
روم غربی ۱۰	پاریس ۷۳ ، ۷۶ ، ۱۱۴ ، ۱۲۶
رها ۸۱	پترزبورغ ۸۸
ری ۱۳۸	ت
ژ	تبریز ۱۳۹
ژاپن ۱۳۰	تخت جمشید ۸۲ ، ۱۳۴
ژنو ۴۳ ، ۱۱۱ ، ۱۶۰	ترکستان روس ۳۸
س	ترکیه ۷۱
سامی ۱۰۸ ، ۱۰۹	ج
سبزوار ۳۶	چاه بهار ۳۶
سن سیر (مدرسه) ۸۵	چکواصلواکی ۳۸
سولقان ۳۶	چین ۳۸
	خ
	خراسان ۱۳۱ ، ۱۴۲

ق	سویس ۱۱۱، ۲۶
قرم (کریمه) ۷۱	سیستان ۳۶
قزوین ۱۳۸	ش
قلعه قهقهه ۷۱	شیراز ۱۰۵، ۹۷، ۸۸
قم ۳۶	ص
قمشه ۳۶	صحنه ۱۰۵
ک	ط
کاشان ۳۶	طالقان ۳۶
کربلا (ی معلا) ۳۸	طرابوزان ۷۵
کرمان ۱۰۳، ۱۰۴	طوس ۱۳۱
کرمانشاه ۱۰۵	طهران ۹۰، ۷۴، ۷۲، ۶۱، ۵۲
کوبا ۳۷	، ۱۲۶، ۱۱۵، ۱۰۸، ۹۳
کورس (جزیره) ۱۱۵	، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۳۹، ۱۳۱
س	۱۵۷
لوزان ۱۱۱	ع
لندن ۱۲۹	عثمانی ۷۱
لیدی ۱۰۸	ف
م	فارس ۷۱
ماوراءالنهر ۱۴۲	فرانسه ۱۷، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۲۳
مارسیل (بندر) ۱۱۵	۱۳۰، ۹۱، ۸۶، ۸۵
مجلس شورای ملی ۱۲۵	فرنگستان ۱۴، ۱۹، ۲۶، ۱۱۴

و	مدیترانه ۱۰۷
ویتنام جنوبی ۱۱۵	مسکو ۷۶
ه	مصر ۱۴۲ ، ۳۸ ، ۲۵
هند ۳۸	ملیطوس ۸۱
هند شرقی ۷۶	مونینگ ۱۳۲
هندوستان ۹۶	ن
ی	نگارستان (باغ) ۱۳۹ ، ۱۳۸
یزد ۱۰۴	نیشابور ۳۶
یونان ۱۴۴	نیویورک ۱۲۶

اسامی کتابها و مجله‌ها و روزنامه‌ها

- | ت | ا |
|----------------------------------|----------------------------------|
| تاریخ ادبیات ایران ۷۴ | ادیان و فلسفه‌های آسیای مرکزی ۸۵ |
| تاریخ ادبیات ایران (رك : براون) | ارواح مردگان ۵۲ |
| ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱ | اسلام (رك : هانری ماسه) ۱۰۸ |
| تاریخ ایران (رك : سایکس) ۱۰۴ | اطلاعات (روزنامه) ۳۴، ۱۵۱ |
| تاریخ ایران (رك : سر جان ملکم) | انجیل ۸۸ |
| ۸۲، ۹۵ | ایران (رك : ونسان مونتئی) ۱۱۲ |
| تاریخ ایران و دوره قاجاریه (رك : | ایران باستان و تمدن ایران (رك : |
| گرنٹ واتسن) ۹۲، ۹۳، ۹۵ | کلمان هوارد) ۱۰۷ |
| تاریخ بلخ ۱۴۳ | ایران‌شهر (مجله) ۷۱ |
| تاریخ ساسانیان ۹۴، ۹۵ | |
| تاریخ سلطنت مادها و هخامنشیان ۹۴ | |
| تاریخ طبری ۹۴ | |
| تاریخ یمینی ۱۴۲ | |
| تورات ۱۲، ۸۸ | |

ب

برکھوس (فرهنگ لغت آلمانی) ۲۶

پ

پنجاه سال در ایران ۶۰

ژ

ژیل بلاس (کتاب) ۲۰، ۹۰،

س

سرود آزادی ۶۱

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (رك):

حاجی بابا) ۲۰، ۸۹،

سروته يك كرباس (داستان) ۳۸

سفرنامه (رك: سرجان ملكم) ۲۳

سلطنت‌های پنجگانه بزرگ‌عالم و مشرق

زمین ۸۱

سه سال در ایران (رك: گوینو) ۸۳،

۸۶

سه سال در دربار ایران (رك: دکتر

فوریه) ۱۰۷

سیاحت از راه مسکو به ایران و هند

شرقی ۷۶

سیاحت ایران و ارمنستان و آسیای صغیر

و استانبول ۷۳

سیاحت‌نامه (رك: موریه) ۸۹، ۹۰،

سیاحت‌نامه اول (رك: موریه) ۹۱

سیاحت‌نامه دوم (رك: موریه) ۹۱

سیاحت‌نامه شاردن ۷۹

سی‌مقاله (رك: آقاخان کرمانی) ۱۳۹

ترجمه تفسیر طبری ۵۳

تمدنات قدیمی (رك: گوستاولوبون)

۹۳

ح

حاجی بابا (رك: موریه) ۷۵، ۸۹،

۱۱۳، ۹۰

حواریون (کتاب) ۱۵

خ

خسیس ۵۲

خواندنیها (مجله) ۱۴۹

خولی ۱۴۶

د

دبستان زنان (نمایشنامه از مولی‌یر)

۵۲

دوآتشه (داستان) ۳۸

دیوان شرقی ۷۴

دیوان عارف ۱۴۶

ر

راه‌آب‌نامه ۵۲، ۱۵۳

راهنمای کتاب (مجله) ۱۲۸، ۱۳۰

ز

زندگانی اسکندر (رك: کونراد -

برکویچی) ۱۰۳

ش

شاهنامه ۴۶ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲

شفق سرخ (روزنامه) ۱۴۴ ، ۱۴۷

شیرین و فرهاد ۱۹

ص

صندوقچه اسرار (جلد اول) ۱۰۶ ،

۱۴۰ ، ۱۵۳ ، ۱۵۷

ف

فتوح البلدان بلاذری ۱۴۱

فردوس المرشديه فی اسرار الصمدیه

۱۳

ق

قرآن ۴۴ ، ۹۰ ، ۱۰۰

قطعات منتخبه فارسی (رك : شفر)

۱۴۳

قلب ایران (رك : دنكس فاربس) ۱۲۷

ك

كاوه (روزنامه یا مجله) ۲۵ ، ۱۳۲ ،

۱۴۳

كشكول جمالی ۱۵۳ ، ۱۵۶

كلام الله مجید (رك : قرآن) ۱۲

كوشش (روزنامه) ۸۶

گ

گازت دولوزان (روزنامه) ۱۱۱

ل

لیلی و مجنون ۱۹

م

مثنوی (مولوی) ۴۷

مردم و سرزمین ایران (رك : شیرمان)

۱۲۸

مسائل ایران (مجله) ۵۵ ، ۶۶

مهر (مجله) ۱۰۸ ، ۱۵۷

ن

نامه‌های مشرق زمین ۱۱۱

و

ویزا برای ایران (رك : ژان لارتکی)

۱۱۴

ه

هزاربیشه ۱۵۳

هزارویکشب ۲۰ ، ۹۰ ، ۱۲۵

هشت سال در ایران یا ده هزار میل

سیر و سیاحت در کشور شاهنشاهی

(رك : سایکس) ۱۰۴ ، ۱۰۶

هنر و ادبیات در ایران (نام کتابی بقلم

یازده تن از ایرانشناسان) ۱۳۰

ی

یک سال در میان ایرانیان ۷۵

یکی مجموعه (مجله ترکی) ۷۱

یوسف و زلیخا ۱۹

یونانیان و بربرها (کتاب) ۶۷